راهکارهای افزایش ضریب نفوذ مالیاتی در کشور

میلاد میر[1]

چکیده

ارزیابی شاخص‌های سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت، نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی و شاخص پوشش مالیات، بیان‌گر پایین بودن ضریب نفوذ مالیاتی در کشور و عملکرد نامناسب نظام مالیاتی دارد. وجود معافیت‌های مالیاتی گسترده، عدم تنوع پایه‌های مالیاتی و گستردگی اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی از دلایل عملکرد نامناسب نظام مالیاتی کشور به‌شمار می‌روند. به‌منظور افزایش ضریب نفوذ مالیات و افزایش درآمدهای مالیات، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند: ۱) گسترش و تنوع‌بخشی به پایه‌های مالیاتی از طریق تعریف پایه‌های مالیاتی جدید مانند مالیات بر عایدی املاک و سرمایه و سود سپرده بانکی؛ ۲) مقابله با فرار مالیاتی از طریق شناسایی و برخورد قاطع با مجرمین و مسدود کردن مجاری فرار مالیاتی؛ ۳) ایجاد اعتماد و اطمینان دادن به مردم درخصوص نحوه خرج کرد درآمدهای مالیاتی از طریق راه‌کارهای مانند اختصاص بخشی از درآمدهای مالیاتی هر شهر به سرمایه‌گذاری در آنجا؛ ۴) هدفمند کردن معافیت‌های مالیاتی از طریق اعمال معافیت‌های دوره‌ای و بررسی میزان مؤثر بودن و اعمال تغییرات در صورت نیاز، و تبدیل معافیت‌های مالیاتی به تخفیف مالیاتی ۵) کاهش سهم دولت از درآمدهای نفتی به‌منظور ایجاد حساسیت بیشتر دولت نسبت به تولید داخل و عملکرد نظام مالیاتی و ۶) اجرای مالیات بر درآمد شخصی.

واژگان کلیدی: درآمدهای مالیاتی، ضریب نفوذ مالیاتی، تخفیف مالیاتی، مالیات بر درآمد.

مقدمه

مالیات به‌عنوان یکی از منابع اصلی درآمدهای دولت و ابزار سیاست‌گذار مالی برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، تثبیت نوسانات اقتصادی، توزیع درآمد و ثروت محسوب می‌شود. درواقع نظام مالیاتی نه‌تنها بخش قابل‌توجهی از نیازهای مالی دولت را تأمین می‌کند بلکه به‌عنوان ابزار سیاست مالی بر سایر شاخص‌های توسعه کشور نیز تأثیرگذار است؛ به‌طوری که بسیاری از کارشناسان اقتصادی، از نظام مالیاتی کارآمد به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی رشد و توسعه اقتصادی نام می‌برند. در دهه‌های گذشته، کشورهای توسعه‌یافته با اتکا به نظام مالیاتی کارآمد توانسته‌اند از ظرفیت‌های بی‌پایان این منبع درآمدی بهره ببرند و یکی از دلایل اصلی رشد و شکوفایی اقتصادشان نیز همین موضوع بوده است. با وجود نقش و اهمیت بسزای نظام مالیاتی در اقتصاد هر کشور و تأمین منابع مالی دولت، بررسی شاخص‌های مالیاتی مانند سهم مالیات‌ها از درآمد دولت و نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، بیان‌گر پایین بودن ضریب نفوذ مالیاتی در کشور دارد و این به‌معنای آن است که نظام مالیاتی ایران از جایگاه متناسب با اهمیت آن برخوردار نمی‌باشد.

۱- پژوهشگر گروه اقتصاد مقاومتی و برآورد اقتصادی، مرکز پژوهشی امنیت اقتصادی تدبیر، تهران، ایران mir.milad91@yahoo.com

در بخش اول گزارش، به ضرورت افزایش درآمدهای مالیاتی در کشور پرداخته شده و در بخش دوم به بررسی جایگاه مالیات‌ها در کشور اختصاص یافته است که برای این منظور برخی شاخص‌های مالیاتی مرتبط استفاده شده است. در بخش سوم به دلایل ایجادکننده شرایط موجود پرداخته می‌شود و بخش چهارم به ملاحظات امنیت اقتصادی اختصاص داده می‌شود و در انتها نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۱. ضرورت وجود مالیات‌ها

امروزه تقریباً تمام اقتصاددانان اتفاق‌نظر دارند که مالیات به‌عنوان یک منبع درآمدی پایدار برای دولت، محرک رشد و توسعه اقتصادی و ابزار مناسبی برای بهبود وضعیت توزیع درآمد و کاهش فاصله طبقاتی است. بهبود عملکرد نظام مالیاتی و افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق افزایش نفوذ مالیاتی، می‌تواند مزایای متعددی ازجمله موارد زیر را به‌همراه داشته باشد:

- کاهش وابستگی بودجه به بخش نفت و ثبات در درآمدهای دولت

دولت به‌عنوان بازیگر اصلی اقتصاد نیازمند منابع مالی باثبات برای اجرای وظایف خود و سیاست‌گذاری است علاوه بر این، دولت برای سیاست‌گذاری و دنبال کردن اهداف خود به برنامه‌ریزی دقیق و منسجمی برای فعالیت‌های خود نیاز دارد که لازمه آن داشتن ثبات درآمدی است. اتکا به درآمدهای مالیاتی و افزایش سهم آن‌ها در بودجه دولت علاوه بر آن‌که ثبات درآمدهای دولت را افزایش می‌دهد، باعث کاهش نقش نفت در اقتصاد می‌شود که این موضوع کاهش تأثیرپذیری اقتصاد داخلی از شوک‌های بین‌المللی مانند نوسانات قیمت نفت و تحریم‌های نفتی را به‌همراه دارد.

- گسترش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و زیرساخت‌ها

ازجمله مواردی که کشورهای درحال‌توسعه از آن رنج می‌برند، کمبود امکانات و زیرساخت‌های کافی و عدم سرمایه‌گذاری کافی توسط دولت در بخش‌های مولد جهت ایجاد اشتغال باثبات و دستیابی به رشد و توسعه پایدار است؛ که دلیل اصلی این موضوع، عدم تأمین منابع مالی کافی جهت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و بخش‌های مولد است. کشور ما نیز از این قضیه مستثنی نبوده است و در سال‌های گذشته شاهد مشکلات عدیده مالی دولت بوده‌ایم که این موضوع باعث شده که منابع تخصیص‌یافته به بودجه عمرانی، صرف مخارج جاری شود که نتیجه آن عدم سرمایه‌گذاری مناسب در بخش‌های مولد و زیرساخت‌ها بوده است.

با افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌تواند از مازاد درآمدهای مالیاتی نسبت به هزینه‌های جاری و درآمدهای نفتی برای گسترش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و همچنین سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و ایجاد اشتغال باثبات استفاده کند.

- بهبود وضعیت خدمات و کالاهای عمومی

افزایش درآمدهای مالیاتی دولت این امکان را فراهم می‌کند که دولت با فراغ‌بال بیشتری به سرمایه‌گذاری جهت تولید کالا و خدمات عمومی مانند آموزش و درمان در مقیاس بیشتر و با کیفیت‌تر بپردازد که این امر از طریق ارتقای سطح سلامت جسمی و افزایش نرخ سوادآموزی جامعه، علاوه بر افزایش سطح

استاندارد زندگی، می‌تواند تقویت‌کننده بخش تولید و افزایش درآمدهای مالیاتی نیز باشد.

۲. بررسی جایگاه مالیات‌ها در اقتصاد ایران

در این بخش به‌منظور بررسی جایگاه مالیات‌ها در اقتصاد ایران برخی از شاخص‌های مرتبط با مالیات‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

– سهم مالیات‌ها از منابع درآمدی دولت

سهم درآمدهای مالیاتی از درآمدهای دولت، یکی از شاخص‌هایی است که به‌منظور ارزیابی جایگاه مالیات در اقتصاد کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمودار شماره (۱)، سهم درآمدهای مالیاتی از کل منابع دولت را طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۸۴ نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در تمامی سال‌های این نسبت کمتر از ۵۰ درصد بوده و طی دوره مورد نظر نسبت مذکور حدود ۳۹ درصد بوده است. این در حالی است که در برخی کشورهای توسعه‌یافته سهم مالیات از منابع درآمدی دولت به بیش از ۸۰ درصد نیز می‌رسد.

نمودار ۱: سهم مالیات‌ها از کل منابع عمومی دولت

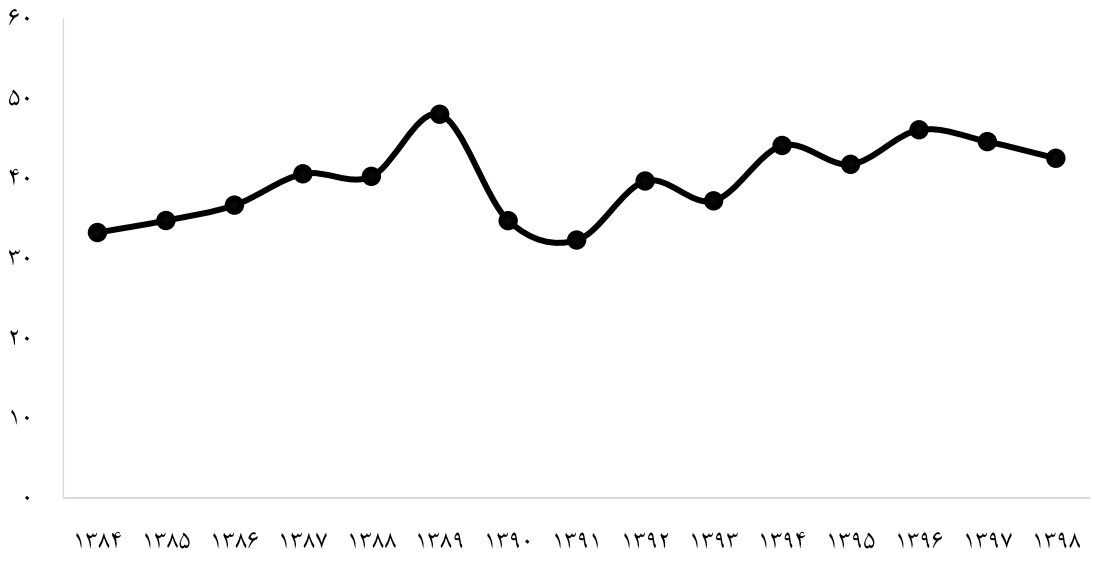

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

– نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی

نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی یکی از رایج‌ترین شاخص‌هایی است که برای بررسی عملکرد و کارایی نظام مالیاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نمودار شماره (۲)، نسبت درآمدهای مالیاتی به (GDP) را برای سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۸۴ نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال‌های گذشته نسبت مذکور همواره کمتر از ۸ درصد بوده است. این در حالی است که نسبت مذکور برای کشورهای توسعه‌یافته در سطح بسیار بالاتری قرار دارد، به‌طوری که در کشورهای دانمارک و سوئد

شاخص نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی بیشتر از ۴۰ درصد است؛ همچنین نسبت مذکور برای نروژ، به‌عنوان یک کشور توسعه‌یافته و نفتی، حدود ۲۸ درصد است.

نمودار ۲: نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی (برحسب درصد)

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و محاسبات تحقیق.

- شاخص پوشش مالیاتی

شاخص پوشش مالیاتی یا همان نسبت درآمدهای مالیاتی به پرداخت‌های هزینه‌ای، یکی دیگر از معیارهای ارزیابی عملکرد یک نظام مالیاتی است. شاخص پوشش مالیاتی نشان‌دهنده میزان تأمین مالی مخارج جاری دولت از محل درآمدهای مالیاتی است. نمودار شماره (۳)، نسبت درآمدهای مالیاتی به پرداخت‌های جاری را برای سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد. متوسط شاخص مذکور طی دوره مورد نظر ۴۳/۵ درصد بوده است؛ درواقع این بدان‌معناست که طی سال‌های مذکور به‌طور متوسط ۵۶/۵ درصد از مخارج جاری دولت از محل درآمدهایی غیر از درآمدهای مالیاتی، که عمدتاً درآمدهای نفتی بوده، تأمین شده است. درحالی‌که نفت به‌عنوان ثروت ملی و بین‌نسلی می‌بایست صرف امور عمرانی شود تا نسل آینده نیز از منافع آن بهره‌مند شوند. این در حالی است که برای کشورهای توسعه‌یافته‌ای مانند دانمارک و سوئد، شاخص پوشش مالیاتی بیشتر از ۸۵ درصد است.

> مالیات بر ثروت با وجود انجام نقل‌وانتقالات گسترده دارایی در سطح کشور و کسب سود و منافع آن توسط افراد، به‌دلیل محدودیت پایه‌های مالیاتی درصد کمی از درآمدهای مالیاتی دولت را به خود اختصاص داده است.

نمودار ۳: نسبت درآمدهای مالیاتی به پرداخت‌های هزینه‌ای (برحسب درصد)

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و محاسبات تحقیق.

۳. دلایل ایجاد وضعیت کنونی

بررسی شاخص‌های نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی، شاخص پوشش مالیاتی و سهم مالیات‌ها از درآمدهای دولت بیان‌گر پایین بودن ضریب نفوذ مالیات‌ها و عملکرد نامناسب نظام مالیاتی است که در ادامه به برخی از دلایل مؤثر در شکل‌گیری شرایط موجود می‌پردازیم.

– عدم تنوع پایه‌های مالیاتی

تنوع مالیاتی در ایران پایین است و دولت از منابع محدودی مالیات اخذ می‌کند، این در حالی است که اغلب کشورهای توسعه‌یافته از منابع مختلف مالیاتی به‌صورت گسترده مالیات اخذ می‌کنند که این امر علاوه بر افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، موجب توزیع عادلانه بارمالیاتی در میان افراد جامعه و فعالان اقتصادی می‌شود.

جدول (۱)، سهم برخی منابع مالیاتی از کل منابع مالیاتی کشور را طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که وصول مالیات بیشتر بر مبنای مالیات‌های سهل‌الوصول است، به‌طوری که مالیات بر اشخاص حقوقی و مالیات بر کالا و خدمات بیشترین سهم را از درآمدهای مالیاتی دولت دارند. این در شرایطی است که، مالیات بر ثروت با وجود انجام نقل‌وانتقالات گسترده دارایی در سطح کشور و کسب سود و منافع آن توسط افراد، به‌دلیل محدودیت پایه‌های مالیاتی درصد کمی از درآمدهای مالیاتی دولت را به خود اختصاص داده است. همچنین در بخش مالیات بر درآمد، با وجود آن‌که درصد قابل‌توجهی از معاملات و فعالیت‌های اقتصادی در سطح مشاغل انجام می‌شود، مالیات وصولی از محل مالیات بر مشاغل در سطح پایینی قرار داشته و کمتر از مالیات وصولی از محل مالیات بر حقوق است. بر این اساس بسیاری از کارشناسان اقتصادی و مردم معتقدند که دولت از صاحبان درآمدهای بالا به‌طور متناسب مالیات نمی‌گیرد و همین موضوع باعث‌شده حقوق‌بگیران و دهک‌های درآمدی متوسط و پایین، بخش عمده مالیات را بپردازند.

جدول ۱: سهم برخی منابع مالیاتی از کل منابع مالیاتی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸.

سال	مالیات اشخاص حقوقی	مالیات بر درآمد	مالیات بر ثروت	مالیات بر واردات	مالیات بر کالا و خدمات
۱۳۹۰	۴۳.۹	۱۳.۸	۳.۶	۲۲	۱۶.۷
۱۳۹۱	۴۲.۹	۱۵.۹	۴	۱۹.۳	۱۷.۸
۱۳۹۲	۳۶.۴	۱۵.۴	۴.۴	۱۶.۳	۲۷.۵
۱۳۹۳	۳۳.۸	۱۳.۳	۳.۵	۱۸.۸	۳۰.۶
۱۳۹۴	۳۶.۳	۱۴.۹	۳.۱	۱۴.۶	۳۱.۲
۱۳۹۵	۳۱.۳	۱۴.۷	۲.۶	۱۸	۳۳.۳
۱۳۹۶	۳۰.۲	۱۳.۲	۲.۵	۱۹.۶	۳۴.۵
۱۳۹۷	۳۲.۷	۱۴.۶	۲.۹	۱۴.۷	۳۵.۱
۱۳۹۸	۲۷.۳	۱۸.۱	۵.۲	۱۲.۶	۳۶.۸

مأخذ: سازمان برنامه و بودجه و محاسبات تحقیق.

- گستردگی فرار مالیاتی و اقتصاد زیرزمینی

یکی از اصلی‌ترین چالش‌های نظام مالیاتی و پایین بودن درآمدهای مالیاتی دولت، گستردگی اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی است. بنابر اعلام مسئولان سازمان امور مالیاتی، بالغ بر ۲۵ درصد از ظرفیت وصول مالیات به‌علت فرار مالیاتی از دولت فوت می‌شود، متأسفانه این عدد برای سال ۱۳۹۸ معادل ۵۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است که خسارت هنگفتی برای اقتصاد کشور می‌باشد.

- معافیت‌های مالیاتی

وجود معافیت‌های مالیاتی گسترده است، که عمدتاً از هدفمندی و کارایی لازم نیز برخوردار نیستند، از دیگر دلایل ناکارآمدی شاخص‌های مالیاتی در ایران محسوب می‌شود. میزان قابل‌توجهی از ارزش‌افزوده کشور مشمول مالیات نمی‌شود و این امر باعث کاهش پایه مالیاتی کشور بر حسب تولید می‌شود، برای مثال می‌توان به معافیت بخش زیادی از فعالیت‌های کشاورزی از پرداخت مالیات اشاره کرد. این در حالی است که ممکن است برخی از این بخش‌های درآمدی به‌مراتب بیش از سایر صنایع و مشاغل داشته باشند.

نمونه دیگری از معافیت‌های مالیاتی که توجیه عقلانی ندارد، معافیت‌های مالیاتی هنرمندان است. متوسط درآمد سالانه بسیاری از هنرمندان بیش از حقوق و مزایای دریافتی سالانه بسیاری از کارکنان دولت و بخش خصوصی است، با این وجود هنرمندان معاف از مالیات هستند.

۴. ملاحظات امنیت اقتصادی

نظام مالیاتی به‌عنوان یکی از رکن‌های مهم و اصلی دستیابی به رشد و توسعه پایدار، نقش غیرقابل انکاری در امنیت اقتصادی کشور دارد؛ با این وجود، در کشور ایران نظام مالیاتی عملکرد مناسبی ندارد و مالیات در جایگاه مناسبی قرار نداشته است که این موضوع می‌تواند آثار مخربی بر امنیت اقتصادی کشور داشته باشد. ازجمله تبعات امنیت اقتصادی این موضوع می‌توان به افزایش وابستگی به درآمدهای نفتی و افزایش بی‌ثباتی در تأمین مالی دولت اشاره

کرد که به تبع سایر بخش‌های اقتصاد را نیز تحت‌تأثیر قرار خواهد داد.

درآمدهای نفتی و مالیات‌ها دو منبع اصلی درآمدهای دولت هستند، با توجه به افزایش هزینه‌های دولت، در صورتی که عملکرد نظام مالیاتی بهبود نیابد و درآمدهای مالیاتی رشد قابل‌توجهی نداشته باشند؛ سهم درآمدهای نفتی از بودجه دولت افزایش می‌یابد. این اتفاق تأثیرپذیری اقتصاد از بخش نفت افزایش می‌دهد و باعث تشدید امکان بروز بیماری هلندی در اقتصاد می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به برون‌زا بودن ماهیت درآمدهای نفتی و تأثیرپذیری آن از نوسانات قیمت نفت و تحریم‌های نفتی، تأثیرپذیری اقتصاد داخلی از شوک‌ها و تحریم‌های نفتی افزایش می‌یابد و بی‌ثباتی بودجه دولت نیز افزایش می‌یابد که این موضوع باعث می‌شود دولت در تأمین مالی سیاست‌های تدوین شده با مشکل روبرو شود.

از سوی دیگر عدم تنوع پایه‌های مالیاتی و وجود معافیت‌های مالیاتی غیرهدفمند برای برخی بخش‌ها و مشاغل و فرار مالیاتی می‌تواند به نارضایتی مردم از حکومت نیز منجر شود. علاوه بر این، ناکارآمدی نظام مالیاتی می‌تواند به افزایش فاصله طبقاتی منجر شود که به تبع افزایش نارضایتی در جامعه را به‌همراه دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

علی‌رغم اهمیت مالیات‌ها به‌عنوان یکی از منابع اصلی درآمدهای دولت و ابزار سیاست‌گذار مالی جهت تحقق رشد و توسعه اقتصادی، تثبیت نوسانات اقتصادی و بهبود توزیع درآمد، مالیات‌ها در ایران از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند. بررسی برخی از شاخص‌های مالیاتی مانند نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی، سهم درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای دولت و شاخص پوشش مالیاتی، بیان‌گر پایین بودن نفوذ مالیاتی و عملکرد نامناسب نظام مالیاتی است. از مهم‌ترین دلایل ایجاد این شرایط می‌توان به مواردی ازجمله عدم تنوع پایه‌های مالیاتی، گستردگی فرار مالیاتی و اقتصاد زیرزمینی و معافیت‌های مالیاتی اشاره کرد. لذا به‌منظور بهبود عملکرد نظام مالیاتی و افزایش نفوذ مالیاتی پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

– **گسترش پایه‌های مالیاتی:** گسترش و تنوع‌بخشی به پایه‌های مالیاتی از طریق تعریف پایه‌های مالیاتی که تاکنون وجود نداشته‌اند می‌تواند ظرفیت‌های جدیدی برای اخذ مالیات ایجاد کند و از این طریق باعث افزایش درآمدهای مالیاتی شود. در این خصوص باید دقت شود که تعریف پایه‌های مالیاتی جدید به‌گونه‌ای طراحی شوند که فشار اقتصادی بر دهک‌های درآمدی متوسط و پایین ایجاد نکنند. مالیات بر عایدی املاک و سرمایه و مالیات بر سود سپرده بانکی و ثروت مازاد ازجمله پایه‌های مالیاتی است که می‌تواند باعث افزایش درآمدهای مالیاتی شود.

– **مقابله با فرار مالیاتی:** برآوردهای صورت گرفته از سوی سازمان امور مالیاتی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸ حدود ۲۵ درصد ظرفیت وصول مالیات که معادل ۵۰ هزار میلیارد تومان می‌باشد، به‌دلیل فرار مالیاتی فوت شده است، که در صورت مقابله با فرار مالیاتی از طریق شناسایی و برخورد قاطع با مجرمین

و مسدود کردن مجاری فرار مالیاتی، درآمدهای مالیاتی می‌تواند به میزان چشمگیری افزایش یابد.

- **جلب اعتماد مردم درخصوص نحوه خرج‌کرد درآمدهای مالیاتی:** باید توجه داشت که یکی از انگیزه‌های فرار مالیاتی، نداشتن اعتماد و اطمینان مردم به نحوهٔ خرج‌کرد درآمدهای مالیاتی است. در صورتی که دولت بخشی از درآمدهای مالیاتی هر شهر را به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و امور زیربنایی همان شهر اختصاص دهد، می‌تواند تأثیر مثبتی در نگرش مردم نسبت به پرداخت مالیات ایجاد کند و در کاهش فرار مالیاتی مؤثر باشد.

- **هدفمند کردن معافیت‌های مالیاتی و تبدیل:** وجود معافیت‌های مالیاتی غیرهدفمند از یک‌سو، باعث تضعیف پایه مالیاتی، و از سوی دیگر، باعث می‌شود که بنگاه‌ها برای پرداخت مالیات کمتر به‌دنبال راهکارهایی برای دستکاری در درآمدهای خود باشند که این امر به کاهش شفافیت، ایجاد انگیزه برای رانت‌جویی و درنهایت کاهش درآمدهای مالیاتی را به‌همراه دارد. معافیت‌های مالیاتی با هدف حمایت از فعالیت‌های مشخصی وضع می‌شوند. لذا می‌بایست به‌صورت دوره‌ای میزان مؤثر بودن معافیت‌ها بررسی و تغییرات لازم در آن‌ها صورت پذیرد. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، با حذف یا تعدیل معافیت‌های غیرضروری بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان درآمد سالیانه جدید قابل وصول است.

- **کاهش سهم دولت از درآمدهای نفتی:** در دهه‌های گذشته دولت همواره از درآمدهای نفتی به‌عنوان یک پشتوانه قوی برای تأمین مخارج مالی خود برخوردار بوده است و به همین دلیل چندان به عملکرد بخش تولید و عمکرد نظام مالیاتی حساس نبوده است. ازاین‌رو، کاهش سهم دولت از درآمدهای نفتی، علاوه بر آن‌که باعث ایجاد حساسیت بیشتر برای گسترش پایه‌های مالیاتی می‌شود، دولت را نسبت به عملکرد اقتصاد داخل حساس‌تر می‌کند، چراکه به‌دنبال رونق اقتصاد داخلی درآمدهای مالیاتی نیز افزایش می‌یابد.

- **مالیات بر درآمد شخصی:** یکی از راهکارهای افزایش درآمدهای مالیاتی، استفاده از مالیات بر درآمد شخصی (PIT) است. در شیوه اخذ مالیات به روش مالیات بر درآمد شخصی، مجموع درآمدهای یک فرد در نظر گرفته و مالیات بر آن وضع می‌شود. در اخذ مالیات جدا، افرادی که بیش از یک شغل دارند، از معافیت‌های جداگانه در هر یک از پایه‌های حقوق خود بهره می‌برند، درحالی‌که در مالیات بر درآمد شخصی، معافیت تنها یک‌بار در نظر گرفته می‌شود. ازاین‌رو یکی از ویژگی‌های مهم مالیات بر درآمد شخصی این است که امکان بهره‌بردن از معافیت‌های مالیاتی جداگانه از بین می‌رود؛ که علاوه بر آن‌که می‌تواند به افزایش درآمدهای مالیاتی منجر شود، می‌تواند بر وضعیت توزیع نیز تأثیر مثبت داشته باشد.

منابع

- بانک مرکزی، بانک اطلاعات سری زمانی.
- سازمان برنامه و بودجه، آمار و اطلاعات اقتصادی.
- مرکز پژوهش های مجلس، بررسی مالیات ها در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰.